

# سنگ های مزار از پنجره ی مردم شناسی هنر

● پدram خسرو نژاد، کارشناس ارشد پژوهش هنر



از بدو هستی تا به امروز یکی از اساسی ترین تفکرات آدمی را مسأله مرگ و جهان پس از آن تشکیل داده است. این بینش در تمامی جوامع (و اندیشه های متعلق به آن) دارای مجموعه ای از نمودها و جلوه های گوناگون است. از آیین ها، مراسم و سرودها گرفته تا خلق آثاری همچون مجسمه ها، نقاشی ها و آثار مصور.

یکی از اجزاء لاینفک این تفکر (مرگ و جهان پس از آن) در کلیه جوامع از روزگاران کهن تا به امروز که همچون ابزار اساسی برای نموده های عینی و معنوی آن به کار رفته، مزار و سنگ های مزار است. سنگ از

دیرپاز همواره برای آدمی از جایگاه خاصی برخوردار بوده است، چه در قالب منزلگاه و جایگاه سکونت و چه به عنوان ابزار و وسیله کار و چه در قالب هویتی مقدس و مذهبی.<sup>(۱)</sup>

آدمی در قبال مرگ و چرایی آن، تبدیل هستی به نیستی، اعتقاد به حضور ارواح و حیات پس از مرگ، کنش های متفاوتی را که ریشه در اعتقادات و افکار خالقانش داشته از خود نشان داده است که بخش عظیمی از آنها به گور و سنگ مزار ارتباط پیدا می کنند. اعتقاد به جهان ارواح و حضور روح (روح شر و روح

خسیر) به عنوان موجودی زنده و دارای نیروهای مافوق طبیعت همواره نیاز به گور و سنگ مزار را در سایه خود نهاده است.<sup>(۲)</sup>

به عنوان نمونه در برخی جوامع ابتدایی تصور بر آن بوده است که افراد نیرومند و صاحب اقتدار پس از مرگ نیروی درویشان همچنان باقی است و برای رهایی از آزار و اذیت ارواح پلید، جسد را با میخ های چوبی بر زمین میخکوب می کردند تا روح جسد نتواند حرکت کند یا بر روی مرده توده سنگ های بزرگی را قرار می دادند تا توانسته باشند از حرکت ارواح جلوگیری کنند.<sup>(۳)</sup>

را تشکیل می‌دهند که این نشانه‌ای از زوال فرهنگ کهن و اعتقادات ریشه‌دار مذهبی ایرانیان در این رابطه به شمار می‌آید که زندگی رو به رشد شهرنشینی و تمدن‌گرایانه آن اعتقادات و باورهای فطری - دینی ما را کم‌رنگ کرده و جلوه‌ها و ظواهر عینی آن را از بین برده است.

با گذری کوتاه در ایران می‌توان گفت که در هر نقطه از این سرزمین، پاره فرهنگ‌های بومی ما آداب و رسوم خاصی دربارهٔ مرگ، مزار و متعلقات آن داشته و دارند که دیگر مگر ظواهری ناچیز، چیز دیگری از آنها باقی نمانده است.

اما برای پژوهشگرانی که از پنجره مردم‌شناسی و به ویژه مردم‌شناسی هنر به سنگ‌های مزار نگاه می‌کنند، توجه به برخی اصول ضروری می‌نماید چرا که با وجود تفاوت‌های به ظاهر فراوان، مشترکاتی نیز در سنگ‌های قبور به چشم می‌خورد که در این جا سعی خواهیم کرد به تعدادی از آن موارد بپردازیم.

#### ویژگی‌های کلی

مزارها در دیدی کلی از نظر استقرار دو دسته‌اند. یک دسته در ارتفاعات، بلندی‌ها و نقاط صعب العبور قرار گرفته‌اند و دسته دیگر در مناطق مسطح و کم‌ارتفاع، در هر دو صورت اکثراً دارای دیوار و حصار هستند که محیط گورستان را از اطراف تفکیک می‌کند. حصار، دیوار و حلقه سنگ چینی که فضای مقدسی را در میان می‌گیرد در شمار کهن‌ترین ساختار گورستان‌ها هستند.<sup>(۱۲)</sup> این سنگچین‌ها اکثراً با آرایشی ساده بر روی هم قرار گرفته‌اند. اما در بعضی مناطق نیز از آرایش خاص پیروی کرده که بنا بر سنت‌های محلی اجرا گشته‌اند.

آرایش محیطی این حصارها به طور عام از شکل‌های مستطیل، مربع و دایره پیروی می‌کنند. (تصویر ۱)

#### ویژگی‌های عام سنگ‌های مزار

۱- نحوه استقرار سنگ مزار ۲- شکل و پیکره سنگ مزار ۳- نوع حجاری و پرداخت سنگ ۴- نوشتار و آرایش خطوط ۵- نقوش، اشکال و مفاهیم نهفته در تصاویر

#### ۱- نحوه استقرار سنگ مزار

در نگاهی کلی به مزارها، سنگ‌های قبور به دو شیوه خوابیده (افقی) و ایستاده (عمودی) به کار رفته‌اند که در بعضی مناطق در یک قبر ترکیبی از این دو را با یکدیگر مشاهده می‌کنیم.

در نمونه‌های ترکیبی یعنی مواردی که هم سنگ عمودی و هم سنگ افقی با یکدیگر به کار رفته‌اند معمولاً سنگ عمودی حاوی تصاویر و نقوش نمادین است و سنگ افقی اطلاعات دیگری را با خود به همراه دارد که معمولاً به معرفی و شرح حال متوفی مربوط می‌شود. این سنت، یعنی به کارگیری سنگ عمودی به عنوان سنگ مزار و این که از چه هنگام و به چه منظوری به سنگ افقی تبدیل شده یا این که کدامیک تقدم و تأخری نسبت به دیگری دارد را نمی‌توان به طور دقیق



نقش انسان، کهکلیویه، نقاره‌خانه

کند.<sup>(۴)</sup> بر پایه شواهد به جای مانده از تمدن‌های کهن در مشرق زمین<sup>(۵)</sup> به خوبی آشکار است که شمایل نگاری<sup>(۶)</sup> و تصویرسازی<sup>(۷)</sup> آن هم به شیوه‌های روان‌نگرانه<sup>(۸)</sup> بخش لاینفک آرامگاه‌ها، سنگ‌ها و لوح‌های قبور را به خود اختصاص داده بودند. همچنین اعتقاد به جاودانگی روح پس از مرگ باعث گشته است تا در داخل آرامگاه‌ها یا داخل گور وسائل و ابزار مورد نیاز متوفی را قرار دهند تا پس از مرگ یا در زمان تجدید حیات در صورت نیاز بر اساس زندگی روزمره خود از آنها استفاده کنند.<sup>(۹)</sup>

در ایران نیز همچون تمدن‌های دیگر، انسان آثاری را از خود برجای گذاشته است، دال بر این مطلب که اعتقاد به نیاکان و دنیای پس از مرگ نزد ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. اینکه از چه هنگام سنت دفن مردگان در گورهای صخره‌ای به دفن در گورهای امروزی تبدیل شد، اطلاع مستندی در دست نیست اما به دلیل تصویرسازی و مصور کردن قبور شواهدی بجای مانده به ویژه در نقش رستم که اطلاعات مفیدی را در این زمینه در اختیار ما می‌گذارد.<sup>(۱۰)</sup>

امروزه با گشت و گذاری در مزارهای موجود در ایران به خوبی زوال و نابودی این سنت دیرین را نظاره‌گر خواهیم بود، بدین معنی که درج برخی اطلاعات فردی و عمومی و احیاناً تعدادی از آیات قرآن کریم و به دنبال آن اشعاری کلیدی و تکراری محتویات سنگ‌های قبور

در دیدی کلی تفکرات آدمی دربارهٔ مرگ و دنیای ارواح را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. گروه اول تفکراتی هستند که مرگ را واقعه‌ای منفی پنداشته و به واسطه آن روح که نیرویی زنده و پلید را با خود به همراه دارد، اعمالی را برای آزار زندگان (بازماندگان) انجام می‌دهد. در این حالت باید با تدابیر خاصی همچون دادن نذورات، صدقات، قربانی‌ها و اجرای مراسم خاصی روح متوفی را خشنود ساخت. که این شیوه تفکر بیشتر در جوامع دنیای کهن و احیاناً جوامع پدوی<sup>(۱۱)</sup> دیده شده است. و گروه دوم آن دسته از تفکراتی هستند که دنیای پس از مرگ را دنیایی با نشاط و سرشار از خوشبختی می‌پندارند و این برخاسته از دید و تفکر مثبت آدمی به مرگ و بقای روح است. این نکته را باید یادآور شد که این دو بینش در پی هم بوده و انتقال یکی به سمت دیگری سال‌های فراوان و اعتقادات بی‌شماری را پشت سر نهاده است، بدین معنی که با ظهور ادیان الهی و جهان شمول رفته رفته دید و تفکر انسان به مرگ و در قبال آن اندیشه‌ی وی به روح از عنایات خاصی برخوردار گشت.<sup>(۱۲)</sup>

اما بحث اصلی ما به گور و سنگ مزار مربوط می‌شود، همان‌گونه که یاد رفت بر پایه تفکرات انسان دربارهٔ مرگ، کنش آدمی و به طبع آن ویژگی‌های مزار و سنگ‌های مزار تغییرات خاص خود را متحمل شده‌اند. بنابراین یکی از این اعتقادات شاید روح سرگردان می‌توانست با حلول در سنگ از سرگردانی رهایی پیدا کند و به اسکان در سنگ و آرامش جاودانه دست پیدا

الف- سنگ‌های افقی: سطح فوقانی سنگ‌های افقی معمولاً به شکل مستطیل بوده که بنا بر سنت‌های رایج و اعتقادات بومی طراحی و اجرا گشتند. این قبیل سنگ‌ها گاه با قطر کم یا با قطر زیاد به کار رفته‌اند که در شکلی کلی مکعب مستطیل‌هایی توپر را تشکیل می‌دهند.

- ب- سنگ‌های عمودی: سنگ‌های عمودی خود به چند گروه تقسیم می‌شوند:
- سنگ‌های مسطح عمودی
- سنگ‌های استوانه‌ای
- چوب‌ها و علائم ایستاده
- سنگ‌های سطح عمودی

همان‌طور که گفتیم این دسته از سنگ‌ها معمولاً در دو کار کرد به کار گرفته شده‌اند، حالت اول سنگ عمودی خود در حکم یک سنگ مزار کامل به شمار می‌آید که کلیه اطلاعات و احیاناً تصاویر مهم بر روی آن درج شده است یکی از قابلیت‌های این نوع سنگ‌های ایستاده استفاده از هر دو روی سنگ است. (در این معنی که هر دو طرف سنگ جای اطلاعات، نوشتار و تصویر می‌باشند)

دسته دیگر سنگ‌های عمودی هستند که با سنگ‌های افقی به کار رفته‌اند و کمتر دیده شده که نوشتار در معنای اطلاعات مربوط به شخص متوفی بر روی آنها درج شده باشد بلکه بیشتر حامل تصاویر و نقوش خاص نمادین هستند. این نکته را باید متذکر شویم که در هر منطقه آرایش سنگ‌های عمودی از نظر طراحی محیطی و کاربرد با منطقه‌ای دیگر متفاوت است. (۱۵)

#### - سنگ‌های استوانه‌ای

این دسته از سنگ‌های قبور در برخی از مناطق کشورمان به چشم می‌خورند! مناطقی نظیر خراسان، ترکمن صحراء، لرستان و کردستان.

این سنگ‌ها همگی توپر بوده و دارای وزن بسیار زیادی هستند، ارتفاع آنها بین ۵۰ تا ۵۰۰ سانتی‌متر متغیر بوده و در هر منطقه با تغییرات ظاهری نمادینی آراسته شده‌اند.

نکته مهم در اکثر سنگ‌های عمودی استوانه‌ای طراحی و شکل فوقانی‌ترین نقطه این احجام می‌باشد که از طراحی خاصی پیروی می‌کنند و به‌طور حتم در زمان حمایتشان کاربرد و معانی ویژه‌ای داشته‌اند. (۱۶)

#### - چوب‌ها و علائم ایستاده

این گروه از دست‌آفریده‌ها نه در حکم سنگ مزار بلکه به عنوان نشانه‌هایی دال بر وجود مزار در مناطق مختلف با ویژگی‌های خاص آن منطقه به کار می‌رفته‌اند ولی نمونه بارز آن را در اقوام ترکمن مشاهده می‌کنیم که امروزه دیگر رواج نداشته و تنها با ظواهر عینی آن روبرو هستیم، اما به‌طور حتم با معانی و مفاهیم مذهبی این اقوام رابطه نزدیکی داشته است. (۱۷)

#### ج- سنگ‌های ترکیبی



نقش انسانی و حیوانی

این دسته از سنگ‌های مزار، خود به چند گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- سنگ‌های صندوقچه‌ای ۲- سنگ‌های گهواره‌ای ۳- سنگ‌های پوشش‌دار
- سنگ‌های صندوقچه‌ای

این نوع سنگ‌ها که بیشتر در نواحی غرب، شمال‌غرب و جنوب‌غربی ایران به چشم می‌خورند، اکثراً دارای پایه‌هایی ثابت بوده و شکل کلی آنها شبیه به حجمی مکعب مستطیل است که تعدادی توپر بوده و انواعی از آنها نیز توخالی هستند. (۱۸) نمونه‌های توخالی در پوش‌های افقی دارند، این گروه از سنگ‌ها در هر چهار طرف و سطح فوقانی خود دارای نوشتار و اشکال حجاری شده هستند و در دیدی کلی شکل تابوت را در ذهن بیننده تداعی می‌کنند.

#### - سنگ‌های گهواره‌ای

این گروه از سنگ‌های قبور به علت شکل و طراحی خاصشان «گهواره» را در ذهن تداعی می‌کنند، و احجامی هستند که چهاروجه آنها جداگانه حجاری شده و به صورت کشویی در یکدیگر چفت شده‌اند.

#### - سنگ‌های پوشش‌دار

این نوع قبور سنگ‌هایشان بصورت عمودی در زمین کار گذاشته شده و روی قبر و سنگ را اطاقکی ساخته‌اند که برای دیدن سنگ مجبور خواهیم بود بر زمین زانو زده و داخل اطاقک را مشاهده کنیم. این شیوه در منطقه فارس و یوشهر به چشم می‌خورد و گویا متزلی

را برای مرده در نظر می‌گرفته‌اند. (۱۹)

#### ۳- نوع حجاری و پرداخت سنگ مزار

هر فرد مردم‌شناسی که بر جنبه‌های هنری سنگ‌های قبور مطالعه می‌کند، یکی از اساسی‌ترین ارکان توجهات خود را باید بر روی حجاری‌ها و نحوه برخورد تفکر آدمی با سنگ قبر قرار دهد، چرا که خالقان این آثار بی‌گمان با اندیشه‌هایی روحانی، مقدس و عارفانه دست به خلق این آثار می‌زده‌اند، بزرگ از منظر اوصاف انسانی و دینی بوده و پیشینه خود را نسل اندر نسل از پدران به پسران انتقال داده‌اند، فعل ایشان حرکتی در جهت توجه به سفارش‌های دینی بوده و امری بسیار خاص به شمار می‌رفته است.

در برخی مناطق برخورد با سنگ بسیار ساده و ابتدایی است. منظور از ابتدایی، کم یا بی‌ارزشی آن نیست بلکه مطلوب همان دید مجرد و بی‌الایش افراد بومی است که در نموده‌های عینی محصولاتشان به راحتی آن را احساس می‌کنیم که شاید بتوانیم این دسته از قبور را قبور عشایری بنامیم.

برخی از حجاری‌ها نقش برجسته (۲۰) بوده و شماری دیگر نقش فرورفته، برخی داده‌ی ظرافت‌های هوشبرانه و برخی دیگر حاوی نقوش و علامات حجاری شده که تمامی این فعلیت‌ها رابطه مستقیمی با تفکرات آدمیان داشته‌اند و باید دقیقاً با ویژگی‌های بومی منطقه ارزیابی و تطبیق شوند. در حقیقت این ویژگی یکی از جنبه‌های تحقیقی بسیار با ارزش به شمار می‌آید.

می توان به سبکها و میزان مهارت یک قوم در اجرای این آثار دسترسی پیدا کرد.

در حقیقت این دسته از آثار به کدهای رمزگونه‌ای تبدیل شده‌اند که با بررسی‌های تخصصی باید از معانی نهفته در ظاهر عینیشان پرده برداشت. باید افزود که این بخش از عناصر تشکیل دهنده سنگ‌های مزار یکی از اساسی‌ترین و کهن‌ترین اعضای آرامگاه‌ها و سنگ‌های قبور به شمار می‌آیند که باید با دیدی جدای از عناصر دیگر این مجموعه بررسی شوند.

متن ارائه شده در حقیقت الگویی است مقدماتی برای آن دسته از پژوهشگران مردم‌شناسی که از دیدگاه هنر بخوانند سنگ‌های قبور را بررسی کنند. در ادامه این مبحث در بخش‌های آینده به ویژگی‌های سنگ‌های مزار در مناطق مختلف کشورمان بر اساس همین الگو خواهیم پرداخت تا بتوان نمونه‌های بارز این آثار را ارزیابی و تجزیه و تحلیل کرد (۳۲).

\* تصاویر و طرح‌ها از پژوهشگر است.

#### \* پانویست‌ها:

- 1- Panofsky, Arvin (1992) "Tomb Sculpture" p. 6.77
- 2- Small - Scale Societies
- 3- Iconography
- 4- Illustration
- 5- Conceptual
- 6- Panofsk. A. P. 6.11
- 7- Abstraction
- 8- Relief

۹- الیاده، میرچا، ترجمه ستاری (۱۳۷۲) «رساله‌ای در تاریخ ادیان» ص ۲۱۶

۱۰- ناس، جان، ترجمه علی اصغر حکمت (۱۳۷۲) «تاریخ جامع ادیان»

۱۱- ناس، جان همان مرجع - درباره این اعتقادات در ایران نویسنده در مقدمه پژوهشی سنگ مزارهای فارس مباحثی را مطرح کرده است.

۱۲- الیاده، همان مرجع ص ۲۱۶

۱۳- همانند بین‌النهرین و تمدن‌های آن نظیر بابل، آشور...

۱۴- شهبازی، شاپور، (۱۳۷۵) «شرح مصور نقش و ... فارس»

۱۵- الیاده همان مرجع ص ۲۱۷

۱۶- نگاه کنید به پایان‌نامه تحصیلی نویسنده در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «زبان نقش و سنگ‌های مزار»

۱۷- زبان نقش و سنگ‌های مزار خسرونژاد، پدram، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ص ۶۹

۱۸- رجوع شود به پژوهش نویسنده در «بررسی سنگ‌مزارهای ترکمن صحرا» پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی

۱۹- همان مرجع

۲۰- شبیه به تابوت‌هایی که در زمان هخامنشیان به کار می‌رفته است برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به شهبازی، همان مرجع ص ۷۶

۲۱- موضوع مورد بحث بروی سنگ مزارهای ایران توسط نویسنده در مناطق زیر انجام گرفته است:

سنگ مزارهای بختیاری، سنگ‌مزارهای ترکمن صحرا

سنگ‌مزارهای بشاگرد، سنگ‌مزارهای کهگیلویه و بویراحمد

سنگ‌مزارهای بوشهر، سنگ مزارهای فارس و سنگ‌مزارهای

آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل

#### ۴- نوشتار و آرایش سنگ‌های قبور

یکی از ارکان اصلی و لاینفک بیشتر سنگ‌های قبور که بدون آن این آثار کارکرد ویژه خود را از دست می‌دهند، نوشتار روی آنها است. به‌طور عام در مرحله نخست یک سنگ قبر باید خیر از صاحب خود بدهد؛ نام شخص متوفی، نام پدر، احتمالاً اجداد پدری، تاریخ تولد و فوت، نام طایفه، قبیله و خاندان محل و ای بسا علت فوت.

در برخی نمونه‌ها پیش از شروع این نوشتار در بخش‌هایی جداگانه یا در آغاز سنگ قبر جملاتی نظیر هوالرزاق، هوالباقی، هوالشفیع... و به تبع آن نام ائمه اطهار و بزرگان دینی یاد شده است. در مرحله بعدی نوبت به اشعار و گفته‌های بزرگان می‌رسد که همگی حاکی از درد جدایی، یکبارہ مردن، ناگام مردن و عزیزی را از دست دادن هستند.

این دسته از اطلاعات برای پژوهشگر مردم‌شناسی خود از اهمیت خاص دیگری برخوردار است چراکه نام افراد و طوایف مختلف یا اطلاعات بر روی سنگ به همراه یکدیگر منابع خبری مستند دسته اولی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند حلقه‌های مفقوده رشته زنجیری را با خود به همراه داشته باشند.

اما آرایش خطوط از طرفی و رابطه آن با مفاهیم و تفکرات آدمی از طرف دیگر به مردم‌شناسی هنر مربوط می‌شود.

اصول و دیدگاه‌های زیبایی‌شناسانه نهفته در دل نوشتارها و آرایش‌های حجاری شده بر روی سنگ‌های قبور یکی از نکات با ارزش در این موضوع پژوهشی به حساب می‌آیند و در برخی موارد رابطه بسیار نزدیکی میان مفاهیم نوشتار و نقوش نمادین روی سنگ‌ها به چشم می‌خورد که نگاه پژوهشگر باید این روابط نهفته را آشکار سازد.

#### ۵- نقوش و علامات

یکی دیگر از اطلاعات بسیار مفید برای محققانی که در زمینه مردم‌شناسی هنر فعالیت می‌کنند، کاربرد مفاهیم نهفته در نقوش و علامات نمادین روی سنگ‌های قبور است. شکل سنگ‌ها و نقوش حجاری شده روی آنها همگی گواه بر معانی ریشه دار و وابسته به اعتقادات و سنت گذشتگان هستند. در یک تقسیم‌بندی کلی این نقوش را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

الف - نقوش انسانی ب - نقوش حیوانی  
ج - نقوش تزئینی و انتزاعی د - نقوش اشیاء و ابزار

مردم‌شناسی که در زمینه‌های هنری مطالعه می‌کند باید توجه داشته باشد که نقوش و علامات از کهن‌ترین ابزار ارتباطی میان جوامع انسانی به شمار می‌آیند و ظواهر عینی این آثار تا به امروز نیز ادامه داشته و دارند. در این میان به پیوستگی نقوش در بین اقوام مختلف از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه شاید این اقوام دیگر حضور فیزیکی نداشته باشند و تنها این علائم و نشانه‌های وابسته به ایشان باشند که ما را به حضور و چگونگی تفکرشان رهنمون سازند. از سوی دیگر با بررسی چگونگی طراحی و اجرای نقوش

